نشریه علمی علم و تمدن در اسلام
سال دوم / شماره هفتم / بهار ۱۴۰۰

DOR: 20.1001.1.26764830.1400.2.7.4.7

# بررسی مصادیق فرهنگ ایرانی در شعر عربی[۱]

جمال طالبی قره قشلاقی[۲]

(۷۶-۹۰)

## چکیده

زبان‌های عربی و فارسی دو زبان اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی به‌شمار می‌روند، و از چندین سده پیش از ظهور اسلام، داد و ستدهای فرهنگی بین این دو زبان برقرار بوده است. از ورود واژگان فارسی به عربی گرفته تا بازتاب آیین‌ها و سنت‌های ایرانی در شعر عربی دوره پیش از اسلام، نمونه‌ای از تعامل زبان‌های عربی و فارسی است؛ اما اوج حضور فرهنگ و تمدن ایرانی در شعر عربی به دوره عباسی برمی‌گردد، به‌طوری‌که تعاملات ادبی، فرهنگی و تمدنی ایران و جهان عرب بیش از پیش رونق گرفت و از امتزاج فرهنگ‌های ایرانی و عربی، فرهنگ و تمدن غنی اسلامی شکل گرفت. مقاله حاضر درصدد است ضمن بازخوانی روابط ادبی و زبانی اعراب و ایرانیان، مصادیق تأثیرگذاری فرهنگ و تمدن ایران در شاعران عرب را بررسی نماید؛ ازسوی دیگر تلاش می‌کند تا به ریشه‌یابی علل ضعف در روابط ادبی این دو زبان در دوره کنونی بپردازد. از نتایج مهم نوشتار حاضر مي‌توان به این نکته اشاره کرد که تمدن ایراني به‌عنوان بخش مهمي از تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامي به‌شمار مي‌رود و دشمنان این دو فرهنگ و تمدن به بهانه‌هاي واهي دنبال تفرقه‌افکني هستند، لذا مي‌توان با استفاده از بستر ترجمه، برگزاري همایش‌هاي مشترک، اعزام متقابل دانشجو و استاد براي معرفي فرهنگ ایران به جهان عرب بهره گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** تمدن ایراني، فرهنگ، اسلام، شعر عرب

---

۱. این مقاله در اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در تاریخ، فرهنگ و بیداری اسلامی (بزرگداشت سید جمال الدین اسدآبادی)، اسفند ۱۳۹۹ ارائه شده است.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان، ارومیه، ایران jamal_talebii@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ نوع مقاله: ترویجی

**مقدمه**

اعراب و ایرانیان در طول تاریخ چندین هزار سالهٔ خود، روابط پرفراز و نشیبی را شاهد بوده‌اند. اگرچه قرآن و سنت پیامبر (ص) پیوند دهنده ملت‌های ایران و عرب است و بین این دو ملت روابط ناگسستنی برقرار کرده است، امّا متأسفانه در دوره معاصر، روابط ادبی ایران و جهان عرب تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و دخالت بیگانگان و استعمارگران قرار گرفته و رونق و شکوه گذشته را از دست داده است. اگرچه روابط سیاسی این دو ملت ریشه‌دار تحت تأثیر سیاست‌های تفرقه‌افکنانه استعمار و دشمنان جهان اسلام تنش‌های زیادی را به خود دیده است، اما خوشبختانه از منظر فرهنگی، ادبی و زبانی تعاملات بسیار نزدیک و ارزنده‌ای در گذشته داشته‌اند، به‌طوری‌که پیشینه این امر به دوران قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. شاعران عرب پیش از اسلام براساس مستندات موجود در دواوین آن‌ها، با فرهنگ و تمدن ایرانی آشنا بوده‌اند و بسیاری از زوایای این امر در اشعارشان نمود یافته است. این پیوند و تعامل تنها محدود به اخذ واژگان زبانی نبوده است، بلکه بسیار از مظاهر زندگی ایرانیان از جمله مسأله برید (پست)، آرایش سپاه و آبزار آلات جنگی، دبیری دیوان، عید نوروز و ... در شعر شاعران عرب پیش از اسلام متجلی شده است.

پژوهش حاضر درصدد است ضمن بازخوانی روابط ادبی و زبانی اعراب و ایرانیان، مصادیق تأثیرگذاری فرهنگ و تمدن ایران در شاعران عرب را بررسی نماید. در بخش دیگر پژوهش حاضر به بررسی نقش روابط ادبی و فرهنگی ایران و جهان عرب در بهبود مناسبات سیاسی پرداخته و در نهایت به علل ضعف روابط ادبی و فرهنگی این دو ملت در دوره کنونی اشاره خواهیم کرد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که نمودهاي فرهنگ و تمدن ایران در جهان عرب چیست؟ فرضیه پژوهش نیز بر دلیل اشتراکات دینی و همجواری فرهنگ ایران در شعر عربی -که حضور پررنگی دارد-، استوار است.

**پیشینه تحقیق**

در زمینه روابط ادبی و زبانی دو زبان عربی و فارسی پژوهش‌های عدیده‌ای صورت گرفته است؛ البته اکثریت قریب به اتفاق پژوهش‌های انجام یافته در حوزه مسائل زبانی بوده، و کمتر به فرهنگ و به‌ویژه بازتاب فرهنگ و تمدن ایرانی در شعر عرب پرداخته شده است. مهم‌ترین پژوهش‌های انجام یافته به شرح زیر است:

عبدالوهاب عزام در پژوهشی با عنوان: «الصلات بین العرب و الفرس و آداب‌ها فی الجاهلیه والإسلام» به بررسی روابط ادبی اعراب و ایرانیان قبل و بعد از اسلام پرداخته، و برخی از زوایای این ارتباط را مورد بررسی قرار داده است.»

حسین قائمی و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «أثر الحضاره الفارسیه فی شعر عدي بن زید العبادی من منظور علم النفس الاجتماعی» که در شماره ۱۹ مجله العلوم الإنسانیه الدولیه چاپ شده است، به‌بررسی تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی در شعر این شاعر جاهلی عرب از منظر جامعه‌شناسی پرداخته‌اند.

ـ عزّت ملاّ ابراهیمی در پژوهشی با عنوان «بازتاب جلوه‌هایی از کاخ‌های دوره ساسانی در اشعار شعرای جاهلی» که در شماره ۸ مجله زبان و ادبیات فارسی چاپ شده است به بررسی بازتاب کاخ‌های ساسانی در ادبیات جاهلی پرداخته است.

سید محمد میرحسینی نیز در بخشی از مقاله خود با عنوان «بررسی بازتاب فرهنگ و تمدن‌های مختلف در شعر اعشی و تدثیر این تمدن‌ها بر شعر او» به تأثیر فرهنگ و تمدن ایران از منظر لغوی در شعر او پرداخته و برخی از واژگان فارسی را در شعر او مورد بررسی قرار داده است. بیشتر پژوهش‌های مورد اشاره غالباً رویکرد زبانی داشته و یا تنها بخشی از موضوع مورد بحث ما را مورد بررسی قرار داده و کمتر به مسائل فرهنگي پرداخته است. لذا ضرورت دارد مسأله مذکور با رویکرد فرهنگي و با تعمق بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

**دورنمایی از روابط تاریخی اعراب و ایرانیان**

روابط ایرانیان و اعراب از تاریخی نسبتاً طولانی برخوردار است، تاجایی‌که پیشینه این روابط تا پانصد سال پیش از میلاد نیز تخمین زده می‌شود؛ به اعتقاد مورخان سابقه روابط تاریخی ایرانیان و اعراب به دوره هخامنشی می‌رسد. کورش در سال ۵۳۸ بابل را تصرف نمود و پس از آن سرزمین‌های فلسطین و سوریه و لبنان تحت حکمرانی او قرار گرفتند و به دنبال آن تمام نواحی غرب آسیا از دریای اژه تا سواحل مصر تحت سلطه امپراتوری کوروش متحد شد. (ر.ک: حتی، ۱۳۸۲: ۵۵) حتی گفته شده است که کوروش در شمال عربستان شهربان‌نشین ناپایداری به نام «عربایا» ایجاد کرد. (ر.ک: بویل، ۱۳۶۸: ۷۰۷) پس از فروپاشی هخامنشیان، بخش عمده‌ای از ایران و سرزمین‌های عربی تحت سلطه اسکندر مقدونی قرار گرفت. اما پس از مرگ اسکندر، اعراب بار دیگر تحت سلطه سلوکیان درآمدند. این امر در دوره اشکانی نیز ادامه یافت و دول کوچکی درشمال عربستان شکل گرفت که به نوعی تحت نفوذ ایران

بودند. از نشانه‌های روابط ایران و اعراب در این دوره می‌توان به همکاری اعراب و پاکر (پاکوروس) پادشاه اشکانی با یک سردار رومی است که علیه امپراطوری روم «دومینیان» شورش کرده بود. (تقی‌زاده، ۱۳۴۹: ۳۶)

ازسوی‌دیگر «تاریخ از روابط دیرین اعراب و ایرانیان قبل از تشکیل امارت حیره سخن می‌گوید که اعراب هر سال مقداری بخور و کندر را به‌عنوان جزیه به کوروش می‌دادند. چون ایرانیان بر بیشتر نقاط هلال خصیب (حاصل‌خیز) مسلط شده و با اعراب در آمیختند.» (الحوفی، ۱۹۶۸ م: ۵) در دوره حکومت ساسانیان، ایرانیان با اعراب، به ویژه حاکمان حیره روابط گسترده‌ای داشتند، به‌طوری‌که «حیره در آن زمان به منزله پل ارتباطی اعراب با ایرانیان و دربار ساسانیان بود. پادشاهان ساسانی به‌خاطر منافعشان در مسائل سیاسی حیره اعمال نظر می‌کردند و حاکمان حیره نیز در واقع به‌عنوان نمایندگان کسری و عاملی بازدارنده در برابر دولت روم بودند که در سرزمین شام نفوذ داشتند.» (شبلی، ۱۹۹۶ م: ۱۰۷) «اندکی پیش از ظهور اسلام، زندگی در حیره شکوفایی تمام داشت. این شهر در یک فرسخی جنوب کوفه واقع شده بود. بیشتر ساکنان آن را قبایل عربی تشکیل می‌دادند و برخی از ایرانیان نیز در جوارشان می‌زیستند. میان دو نژاد ایرانی و عرب حیره، افزون‌بر روابط تجاری و اقتصادی، پیوند اجتماعی و فرهنگی عمیقی استوار بود. مکتب‌خانه‌هایی نیز برای آموختن زبان و ادب فارسی در حیره دایر شد که بستر مناسبی را برای انتقال تمدن ایرانی به ساکنان آن شهر، فراهم می‌ساخت.» (حتّی، ۱۹۵۸ م: ۱۰۸ ـ ۰۷) پس از فتح ایران به دست اعراب مسلمان، روابط اعراب و ایرانیان فصل جدیدی را به خود دید و این روابط به دلیل اشتراکات دینی، فرهنگی و تمدنی علی‌رغم فراز و نشیب‌های ناشی از روابط سیاسی، کماکان برقرار است.

### دورنمای روابط ادبی و فرهنگی اعراب و ایرانیان

همچنان‌که در بحث روابط تاریخی اعراب و ایرانیان اشاره شد این دو ملت، روابط تاریخی بسیاری با یکدیگر داشته و روابط مذکور گاه دوستانه بوده و گاه تنش‌ها و جنگ‌هایی نیز بین آن‌ها رخ داده است. طبیعی است که در لابه‌لای این روابط، رد پایی از روابط فرهنگی و ادبی نیز به چشم بخورد.

ارتباط اعراب با ایرانیان در دوره جاهلی سریع‌تر و عمیق‌تر از ارتباط آنان با دیگر ملل بود و حیره به‌عنوان پل ارتباطی اعراب و ایرانیان عمل می‌کرد و فرهنگ و تمدن ایران از طریق آنان به اعراب منتقل می‌شد. البته حیره غالباً مطیع پادشاهان ایرانی بود و از حمایت آنان برخوردار بود. البته پادشاهان ایرانی نیز

دوستدار حیره بودند و گفته می‌شود یزدگرد، پسرش بهرام را به آنجا فرستاد تا پیش آنان بزرگ شود. او زبان عربی و شعر را از آنان آموخت. برخی معتقدند که بهرام اولین شاعر فارسی‌گوی بود؛ حتی اشعار عربی نیز از او نقل شده است که به فرض نادرست بودن، حاکی از روابط فرهنگی و ادبی ملت‌های ایران و عرب است. (عزام، ۲۰۱۲م: ۳۱)

روابط سیاسی ایران با حیره منجربه توسعه روابط فرهنگی و ادبی نیز گشت؛ به‌طوری که یزدگرد پادشاه ساسانی تربیت فرزندش بهرام را به منذر اول سپرد و او تا هیجده سالگی در بین آنان ماند و سوارکاری و تیراندازی را از آنان آموخت. زید بن حمّاد پدر عدی بن زید عبادی نیز که از شاعران مشهور عرب در دوره پیش از اسلام به‌شمار می‌رود به دربار ساسانیان راه یافت. (آذرنوش، ۱۳۷۴: ۱۸۷) به گفته صاحب کتاب «الأغانی» او به زبان‌های عربی و فارسی مسلط بود و کسری پادشاه ساسانی او را به سمت نامه‌رسان خود برگزید و این تنها مختص فرزندان کسری بود. (اصفهانی، ۲۰۰۸ م: جـ ۲: ۶۵)

پیش از اسلام نمونه‌های بسیار زیادی از روابط فرهنگی و ادبی بین ایران و اعراب وجود داشته است. تأثیرپذیری دو شاعر عرب به نام‌های اعشی و عدی بن زید عبادی حاکی از تعامل زبان‌های فارسی و عربی با یکدیگر بوده است. به گفته ابن قتیبه، او نزد پادشاهان ایرانی می‌رفت و ازاین‌رو در شعرش واژگان فارسی زیادی به چشم می‌خورد. (ابن قتیبه، ۱۹۹۷ م: ۱۷۰) اعراب حیره و امرای آن که تحت تأثیر دولت ایران بودند در ادبیات عرب، به‌ویژه شعر مبتنی‌بر عقل عرب تأثیر بسزایی داشته است. (فتحی احمد، ۱۹۷۴ م: ۳۶)

روابط فرهنگی و ادبی ایران و جهان عرب در سیره پیامبر بزرگوار اسلام نیز مورد اشاره قرار گرفته است. گفته شده است که: «نضر بن حارث از شیاطین قریش بود و پیامبر (ص) را بسیار آزار می‌داد و با آن حضرت دشمنی می‌کرد. او به حیره رفته و داستان‌های پادشاهان ایرانی و نیز داستان‌های رستم و سهراب را یاد گرفته بود و چون پیامبر در مجلسی می‌نشست و مردم را به خدا دعوت می‌کرد و قریش را از عذاب الهی که دامن اقوام دیگر را گرفته بود، بر حذر می‌داشت، بعد از آن حضرت در محل او می‌نشست و می‌گفت: ای جماعت قریش! به خدا قسم من از محمد نیکو سخن هستم؛ پس سوی من آیید که حرف‌های بهتری از سخنان او برایتان خواهم گفت. او سپس از رستم و اسفندیار و پادشاهان ایرانی سخن می‌گفت.» (ضیف، بی‌تا: ۴۰۰) این فرد همان کسی که گفته می‌شود آیات «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ

آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (لقمان: ٦) در شأن او نازل شده است.

### واژگان فارسی در شعر دوره جاهلی

ورود واژگان فارسی به زبان عربی به‌ویژه شعر دوره جاهلیت یکی از جلوه‌های بارز روابط ادبی و زبان ایران و جهان عرب شمرده می‌شود. صرف نظر از تعداد واژگان فارسی رایج در دوره جاهلیت که به اعتقاد برخی پژوهشگران به چهار هزار کلمه نیز می‌رسد، (آذرشب، ۱۴۳۵ق: ۲۴۶) می‌توان این مسأله را نشانه بارزی از روابط ادبی و فرهنگی ایران و اعراب دانست. در بین شاعران عرب پیش از اسلام، اعشی بیش‌ترین واژگان فارسی را در شعر خود دارد. او در وصف یکی از مجالس انس و لهو و لعب می‌گوید:

لنا جُلســـانٌ عِندَها وَبَنَفسجٌ وسِيسَنبَرٌ وَالمَرزجُوشُ مُنَمنَما

و آسٌ و خِيريٌّ و مَروٌ وَسوسَنٌ إذا كانَ هِنزَمَنٌ وَرحتُ مَخَشّمـــا

وشاهَسفِرم واليَاسمينُ ونَرجِسٌ يُصَبّحُنـا فـي كُـلِّ دَجنٍ تَغيّما

(الأعشی، ۱۹۶۰ م: ۲۹۳)

«ما در بابل گلشنی داریم که در عید هنزمن (یکی از اعیاد مسیحیان) گل‌های بنفشه و سیسنبر (گیاهی خوشبو) و مرزنگوش و آس و خیری و مرو و سوسن آن را آراسته و انسان را مست می‌کند. گل‌های شاهسفرم و یاسمن و نرگس صبحگاهان بعد از شب بارانی فضا را معطر می‌کند.»

قرآن کریم این کتاب انسان‌ساز نیز که به زبان عربی فصیح نازل شده است از واژگان فارسی خالی نیست و واژگانی همچون «ابریق، استبرق، نمارق، فردوس، عفریت، سجّیل، جناح و..» (جفری: ۲۸) به اعتقاد پژوهشگران از زبان فارسی وارد زبان قرآن شده است. تردیدی وجود ندارد که حضور برخی از واژگان فارسی در زبان بهترین دلیل بر آشنایی اعراب با زبان فارسی قبل از نزول قرآن است، تاجایی‌که جزو واژگان زبانی آن‌ها گشته بود.

### فرهنگ پست و نامه‌رسانی

بسیاری از واژگان دخیل فارسی در عربی انعکاس دهنده برخی نظام‌های حاکم بر حکومت‌های ایرانی بوده است. واژه «برید» از جمله این واژگان است که «زبان‌شناسان معتقدند معرّب از فارسی بوده و اصل آن «بریده دم» می‌باشد. چون اسب‌هایی که پست‌چی سوارش می‌شد، دمشان به‌عنوان نشانه، بریده می‌شد.» (ابوشارب، ۱۹۹۶ م: ۸۲). امرئ القیس شاعر جاهلی از جمله شاعرانی است که این واژه در شعرش بازتاب داشته است:

علی لاحبٍ لا یُهتَدی بِمنارِهِ إذا سافهُ العَودُ النَّباطیُّ جَرجَرا

علی کلّ مَقصُوصِ الذَّنابیّ مُعاودٍ بَریدَ السّری باللیلِ مِن خیل بَربَرا

(دیوان: ٤٢٩)

«در راهی که هیچ روشنی برای یافتن راه نداشت وشتر پیر برای یافتن راه زمین را بو می‌کشید، من سوار بر شتر دم بریده شبانگاه راه خود را می‌یافتم.»

لذا چنین به‌نظر می‌رسد که نظام پست و اطلاع‌رسانی در فرهنگ ایرانیان بوده و به دلیل معرّب بودن این واژه می‌توان اینگونه استنباط کرد که اعراب در این زمینه مقلّد ایرانیان بودند و «حاکمان حیره در اداره دولتشان از سیستم پست و نامه‌رسانی بهره می‌گرفتند.» (ابوشارب، ۱۹۹۶ م: ۸۴)

### تشکیل سپاه و سنگرسازی

تشکیل سپاه و آماده سازی لوازم آن، لازمه هر دولتی است و به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، اعراب در این زمینه نیز از فرهنگ و تمدن ایرانیان بهره گرفته‌اند. «ساسانیان سرحدّات خود در همسایگی اعراب بدوی را تقویت کردند؛ چون در نتیجه تعامل با اعراب دریافتند که برای جلوگیری از هجوم آنان نیازمند قدرت قاطعی هستند، لذا دژها و قلعه‌هایی را بنا کردند.» (ابوشارب، ۱۹۹۶ م: ۸۵) جواد علی از پژوهشگران بنام تاریخ عرب معتقد است که آثار قلعه‌ها و دژهای حاکمان عراق و شام همچنان پابرجاست و اعراب در زمان خطر از آن استفاده می‌کردند. (ر.ک: جـ ۲: ۶۲۹) لذا به‌نظر می‌رسد اعراب پیش از اسلام با فرهنگ دفاع از خود به شکل منظم برخوردار نبودند و این مقوله را از ایرانیان یاد گرفته‌اند. در شعر شاعران دوره جاهلی اشعار فراوانی وجود دارد که در آن نام ابزار آلات جنگی و نیز شیوه نبرد ایرانی به کار رفته است. دُرید بن صمّه خطاب به برادرش «عارض»، او را از هجوم دشمنانش که زره ایرانی بر تن کرده‌اند بر حذر می‌دارد:

نَصَحتُ لِعارضٍ و أصحابِ عارضٍ وَ رهطَ بَني السّوداء و القَوم شُهّدي

فقلتُ لَهم ظنّوا بألفي مُدجّج سَراتُهم في الفارسيّ المُسرّد

(الأصمعيّات: ۱۱۲)

«به عارض و دوستان و یاران او توصیه کرده و درحالیکه همگان نیز شاهد بودند، گفتم: یقین بدانید که دو هزار جنگجو با زره بافت ایرانی در برابر شما صف کشیده است.»

**دبیری دیوان**

اعراب پیش از اسلام هیچگونه آشنایی با دیوان (دفتری برای ثبت کارهای حکومتی) نداشتند و سابقه این امر در نزد اعراب از دوره عمر بن خطّاب فراتر نمی‌رود. اما ایرانیان با این مسأله از دوره خسرو پرویز آشنا بودند و «برخی از نویسندگان عرب همچون لَقیط بن یَعمَر ایادی و عدی بن زید از مترجمان و نویسنگان خسرو پرویز بودند.» (الحوفی: ۲۴) تردیدی وجود ندارد که این امر تنها در سایه آشنایی این دو با زبان فارسی اتفاق افتاده است و چنین می‌توان استنباط کرد که روابط دو ملت ایران و عرب از مسائل سیاسی فراتر رفته و به حوزه مسائل فرهنگی شتافته است.

**عید نوروز**

نوروز بزرگ‌ترین عید ایرانیان بود؛ اعراب پیش از اسلام آشنایی چندانی با نوروز نداشتند. اما با ظهور اسلام عید نوروز همچنان شکوه و جلال خود را حفظ نمود. گفته شده است که در عصر خلافت امام علی (ع) مجوسیان چند ظرف نقره که در آن شکر ریخته بودند، در نوروز به آن حضرت هدیه کردند و حضرت هدیه آنان را پذیرفت و شکرها را بین یاران خود تقسیم کرد و آن ظروف را به‌عنوان جزیه قبول کرد. (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶ ج ۴۱: ۱۱۸) همچنین اخباری از هدیه بردن دهقانان در دوره خلافت آن حضرت نقل شده است که امام علی (ع) این هدیه نوروز یا مهرگان را به بیت المال سپرد. (ر.ک: ابن الدمشقی، ۱۴۱۵ق: ۲۷۳/۱) نوروز با ورود به دستگاه خلافت رسمیت یافت، اگرچه گفته می‌شود فلسفه برگزاری مراسم نوروز در این دوره برای اخذ هدایا و خراج بوده است. عمر بن عبدالعزیز کوشش‌هایی برای منسوخ کردان هدایای عید نوروز و مهرگان انجام داد ولی توفیقی بدست نیاورد و با ورود به دستگاه خلافت رسمیت یافت، اگرچه گفته می‌شود فلسفه برگزاری مراسم نوروز در دوره اموی برای اخذ هدایا و

خراج بوده است. عمر بن عبدالعزیز کوشش‌هایی برای منسوخ کردان هدایای اعیاد نوروز و مهرگان انجام داد ولی توفیقی بدست نیاورد.

امّا اوج توجه به نوروز در دوره عباسی رخ داد. ازآن‌جاکه خلفای عباسی در بسیاری از آداب و رسوم از پادشاهان ساسانی تقلید می‌کردند، بخش عمده‌ای از سنت‌های ناظر بر عید نوروز از جمله دریافت هدایای گرانبها از بزرگان و امرای اسلامی را ادامه می‌دادند. (صفا، بی‌تا: ۹۵) جاحظ می‌گوید که متوکل عباسی به مناسبت نوروز دستور داد پنج ملیون سکه به رنگ‌های گوناگون ضرب شده و به‌صورت هدایای نوروزی به درباریان اهدا گردد. (جاحظ، ۱۹۹۶م: ۳۲۴) حاکمان نیز نوروز را جشن می‌گرفتند و شاعران در وصف آن قصیده‌ها می‌سرودند. بحتری از شاعران برجسته دوره عباسی در وصف بهار و نوروز می‌گوید:

أتاکَ الرّبیعُ الطّلقُ یَختالُ ضاحکاً  مِنَ الحُسن حتّی کاد أن یتکلّما

وقد نبَّه النیروزُ في غَسَقِ الدّجی  أوائل ورد کُنَّ بالأمسِ نُوّماً

(دیوان: ٢٣٤)

«بهار دلگشا چنان با ناز و کرشمه آغوش خود را گشوده است که نزدیک است زبان به سخن گشاید. نوروز در تاریکی غروب گل‌های به خواب رفته را بیدار می‌کند.»

**تأثیر روابط ادبی ـ فرهنگی در بهبود مناسبات سیاسی اعراب و ایرانیان**

در پیشینه تاریخ روابط اعراب و ایرانیان، ملاحظه می‌کنیم که هر وقت روابط ادبی و فرهنگی توسعه یافته است تنش‌ها نیز به‌عنوان تابعی از آن کاهش یافته است. اگر به تاریخ پیش از اسلام نیز مراجعه کنیم مصادیق آن را می‌یابیم. در کتب ادبی تاریخی ثبت شده است که هرمز ابن کسری جایگاه عدیّ بن زید شاعر عرب را بعد از مرگ کسری همچنان حفظ نمود و سمت سفیری کسری نزد قیصر روم را به او داد. (الأصفهانی، ۲۰۰۸ م: جـ ۲: ۶۶) لذا این مسأله می‌تواند در دوره کنونی نیز تکرار شده و به پیوند بیش از پیش اعراب و ایرانیان منجر شود. امروز به‌نظر می‌رسد فعالیت‌های ادبی ـ فرهنگی می‌تواند راهگشا باشد. به نظر نویسنده مقاله حاضر، برخی راهکارهای رونق روابط ادبی که منجربه کاهش تنش‌ها خواهد شد به قرار زیر است:

**ترجمه شعر دریچه‌ای به سوی تعاملات فرهنگی**

ترجمه شعر روزنه‌ای برای آشنایی با فرهنگ و تمدن ملت‌های مختلف با یکدیگر است؛ جهان عرب و ایران سابقه بسیار درخشانی در حوزه ترجمه دارند و قدمت ترجمه آثار علمی و ادبی ایرانیان به زبان عربی به چندین قرن پیش برمی‌گردد. تاریخ ترجمه از فارسی به زبان عربی به اندکی قبل از دوره بنی عباس برمی‌گردد، اما در این دوره رونق شگرفی پیدا کرد و فرهنگ و تمدن ایرانی به زبان عربی ترجمه گردید. البته در این میان آموزش زبان گام اول برای رونق ترجمه به‌شمارمی‌رود. عبده عبود از متفکران عرب پیرامون اهمیت ترجمه‌های ادبی در گفتگوی بین تمدن‌ها می‌گوید: «ادبیات آیینه حقایق اجتماعی و تمدنی ملت‌ها و جوامع است. آنگاه‌که آثار ادبی از یک زبان دیگری ترجمه می‌شود، خواننده این زبان از واقعیت‌های اجتماعی و تمدنی ملت‌های دیگر مطلع شده و از آن تأثیر می‌پذیرد.» (بوزرزور، ۲۰۰۹ م: ۹۳) لذا ترجمه به‌طورکلی و ترجمه شعر به‌طورخاص به‌عنوان یک واسطه ادبی می‌تواند انتقال دهنده فرهنگ و تمدن ایران به جهان عرب باشد. «ترجمه برخی کتب یا نشریات به زبان کشور مقصد که به آگاهی و شناخت صحیح از کشور مبدأ می‌انجامد، به تقریب اذهان و فهم رفتارهای متقابل کمک می‌کند. این کتب و نشریات می‌توانند راجع‌به موضوعاتی همچون تاریخ آن کشور، فرهنگ و آداب و رسوم، معرفی اماکن توریستی آن کشور، داستان و رمان‌های ملی و تاریخی، دیدگاه‌های سیاسی راجع‌به موضوعات مختلف جهانی و.. باشد.» (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸)

**انتشار کتب و مجلات عربی و دیوان‌های شعر فارسی به زبان عربی برای معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی**

یکی از راه‌های انتقال فرهنگ، تاریخ و آداب و رسوم و به تبع آن، جهان‌بینی و دیدگاه مردم یک کشور به دیگر کشورها انتشار کتاب و نشریات و دیوان شاعران به زبان آن کشور است. ازآنجاکه کتاب و نشریات بیشتر مورد اقبال قشر تحصیل کرده و فرهیخته هر کشوری قرار می‌گیرد، لذا به‌نظر می‌رسد اگر ما بتوانیم فرهنگ و تمدن خود را به زبان عربی برای متفکران جهان عرب منتشر کنیم، گام بسیار مؤثر و کم هزینه‌ای خواهد بود. ازسوی‌دیگر افزایش میزان محصولات فرهنگی در حوزه ادبیات، هنر و موسیقی به‌عنوان گنجینه‌های عظیم فرهنگ و تمدن اسلامی به زبان عربی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. متأسفانه،

امروزه در کشورمان به‌ویژه در حوزه ادبیات و علوم انسانی مجله و نشریه عرب زبانی که معرف ادبیات فارسی، فرهنگ و تمدن اسلامی باشد، وجود ندارد و در این حوزه مجلات بین‌المللی معدودی از «دراسات فی العلوم الإنسانیه» تربیت مدرس، و مجله «إضاءات نقدیه» دانشگاه آزاد اسلامی کرج و آفاق الحضارة پژوهشگاه علوم انسانی این مسؤولیت را به عهده دارند. لذا به‌نظر مي‌رسد اگر مجله‌اي تخصصي صرفا در زمینه فرهنگي و براي معرفي فرهنگ ایران بنا نهاده شود، تأثیرگذاري بیشتري داشته باشد.

**اعطای بورسیه‌های تحصیلی به دانشجویان عرب**

امروزه، آموزش زبان علاوه‌بر ایجاد پل ارتباطی بین ملت‌های مختلف، کارکرد مهمی نیز دارد و آن اثرگذاری در فرهنگ دیگر ملل و صدور فرهنگ و سنت‌های ملی است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان امّ القری جهان اسلام مسؤولیت سنگینی در این حوزه دارد و به‌نظر می‌رسد اعطای بورسیه‌های تحصیلی مهم‌ترین راهبرد برای معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی ـ اسلامی باشد. کاري که امروز مؤسسه سعود البابطین در جهان عرب انجام مي‌دهد، مي‌تواند مورد توجه مسؤولان فرهنگي کشورمان قرار گیرد.

**تبادل استاد و دانشجو بین ایران و جهان عرب در رشته‌های ادبی و شعر**

تبادل استاد و دانشجو بین ایران و جهان عرب در حوزه ادبیات از جمله شعر می‌تواند راهی برای گسترش روابط علمی، ادبی و فرهنگی و نیز ابزاری برای معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی ـ اسلامی باشد. ازآنجاکه اساتید و دانشجویان نمایندگان برجسته و تأثیرگذار فرهنگی هستند، رونق این امر می‌تواند اولاً در راستای معرفی فرهنگ و تمدن کشورمان باشد و ثانیاً اقدام مهمی در راستای کاهش تنش‌های موجود بین ایران و جهان عرب به‌شمار رود. واقعیت این است که این روابط در حد فرصت‌هاي مطالعاتي تنزل یافته است و بالا بردن سطح آن و ایجاد رشته‌هاي دانشگاهي در این حوزه مي‌تواند مثمرثمر باشد. گرچه روابط فرهنگی ایران و عراق تا حدودی رو به رشد است و وجود رشته مطالعات عراق در دانشگاه ایلام گام مهمی در این زمینه است، اما می‌توان آن را به سایر کشورهای عربی و نیز دانشگاه‌های داخلی تسری داد.

**آموزش زبان فارسی در کشورهای عرب زبان**

توسعه آموزش زبان فارسی برای عرب زبانان در کشورهای عربی می‌تواند گام مؤثّری برای معرفی فرهنگ غنی ایران به جهان عرب باشد. امروزه هدف از آموزش زبان صرفاً گسترش و توسعه آن نیست، بلکه هدف اساسی معرفی فرهنگ و تمدن ملت‌ها به یادگیرندگان زبان است. طبیعتاً وقتی عرب‌زبانان زبان فارسی را یاد بگیرند به ادبیات فارسی نیز علاقمند خواهند شد و علاقمند شدن به ادبیات، علاقه به فرهنگ و تمدن را به‌دنبال خواهد داشت. لذا به‌نظر می‌رشد آموزش زبان فارسی به اعراب زمینه را برای آشنایی با فرهنگ و تمدن هفت هزار ساله ایران مهیا خواهد ساخت.

### برگزاری همایش‌های علمی و فرهنگی و ادبی مشترک

امروزه همایش‌ها و کنفرانس نقش قابل توجهی در گسترش زبان‌ها ایفا می‌کنند. همایش‌های علمی، ادبی و فرهنگی با جهان عرب می‌تواند موجب گسترش تفاهم و تعامل و حل و فصل چالش‌های سر راه روابط فرهنگی ایران و کشورهای عرب گردد. برگزاری همایش‌های مشترک درباره بزرگان ادب فارسی از جمله سعدی و حافظ و عطار و... که مورد احترام جهان عرب نیز هستند می‌تواند نمونه‌ای از این همایش‌ها باشد. طبیعی است که نتایج این‌گونه همایش‌ها گسترش معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی خواهد بود. برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی از جمله صنایع دستی و... از دیگر فواید این همایش‌ها است. خوشبختانه این مسأله مورد توجه فرهیختگان جهان عرب قرار گرفته است. «خیر الدین حسیب، ناشر و فرهیخته و فرزانه جهان عرب و رئیس «مرکز دراسات الوحده العربیه» یکی از همین کسانی است که به شدت مشتاق کوشش در زمینه ارتباط دولت‌های عربی با دولت‌های همجوار و از جمله ایران است. به‌همین روی، او در سال ۱۹۹۵ با همکاری دانشگاه قطر کنفرانسی را درباره روابط جهان عرب و ایران طرح‌ریزی و سبب‌سازی کرد و در دوحه، دانشگاه قطر، با حضور چندین تن از استادان عربی و پژوهشگران عرب برپا ساخت.» (مهرآیین: ۲۳۳)

### آسیب‌شناسی علل کاهش روابط ادبی ـ فرهنگی ایران و جهان عرب

همچنانکه در مباحث گذشته اشاره کردیم روابط ایران و جهان عرب به صدها سال پیش از اسلام برمی‌گردد و اگر ما یکی دو مقطع نسبتاً کوتاه را استثنا کنیم، این دو ملت همواره از روابط دوستانه و مبتنی‌بر همجواری برخوردار بوده‌اند. تاریخ و فرهنگ و میراث مشترک و فراتر از این‌ها، قرآن این کتاب

انسان‌ساز عاملی مهم در تقریب ایرانیان و اعراب بوده است. اما در دوره کنونی، عوامل زیر باعث کاهش روابط ادبی و فرهنگی و سیاسی ایران و جهان عرب شده است:

جهان غرب با تکیه‌بر اختلافات مذهبی و تحریک کشورهای حاشیه خلیج فارس، تأمین منافع خود را در اختلاف بین ایران و جهان عرب جستجو کرده است. لذا دولتمردان ایران و عرب باید بدانند که «کوشش برای گسترش و تقویت حوزه‌های فرهنگی ـ تمدنی برای واحدهای ملی بیش از هر چیز کوششی برای منافع ملی آن‌هاست.» (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۹) تأکید بر اشتراکات دینی و فرهنگی از جمله پیشینه غنی تعاملات ادبی و فرهنگی می‌تواند منجربه کاهش تنش‌ها و توسعه روابط فرهنگی گردد.

متأسفانه، اشتراکات هزار و چند ساله ایران و جهان عرب مورد غفلت واقع شده است؛ چه اشتراکی بالاتر از قرآن و دین اسلام، که مسلمانان باید همواره بدان تکیه کنند؟ واقعیت انکارناپذیر دیگر، این است که سردمداران جهان عرب در تعامل با ایران دچار توهم شده و نتوانسته‌اند دشمن واقعی جهان اسلام را تشخیص دهند. البته این مسأله برای فرهیختگان جهان عرب امری مسلم و مسجل است که ایران تهدیدی برای جهان عرب نیست. یکی از صاحب‌نظران جهان عرب می‌گوید: «نظرسنجی از افکار عمومی جهان عرب نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از جهان عرب ایران را تهدید مستقیم برای امنیت ملی خود محسوب نمی‌کنند. اما بالعکس، این اجماع وجود دارد که اسرائیل و ایالات متحده سرچشمه تهدید برای امنیت ملی اعراب است.» (بشارة، ۲۰۱۲ م: ۵) لذا مي‌توان با توسعه پژوهش‌هاي فرهنگي مشترک و تأکید بر اشتراکات مي‌تواند نقشه دشمنان را نقش بر آب کند.

امروز دشمنان ایران و جهان عرب، آشنایی اعراب با زبان و فرهنگ و تمدن ایران را به‌عنوان ابزاری برای نفوذ و گسترش مذهب تشیع جلوه می‌دهند؛ این درحالی‌است‌که ما هنوز از تبعات انجمن‌های تبشیری مسیحی رها نشده‌ایم. لذا اگر ما آموزش زبان را معادل با تبلیغ مذهب بدانیم قطعاً در راستای اهداف دشمن گام برداشته‌ایم. ازسوی‌دیگر در اکثریت قریب به اتفاق دانشگاه‌های کشور ما کرسی تدریس و آموزش زبان عربی وجود دارد. چون ما اعتقاد راسخ داریم که زبان عربی، زبان قرآن و دین ماست و زبان فارسی در کنار آن دو بال فرهنگ و تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند. لذا جهان عرب و در رأس آن روشنفکران و فرهیختگان باید از آب ریختن به آسیاب دشمن بپرهیزند تا ضمن حفظ وحدت اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی بیش از پیش گسترش یابد. لذا پیشنهاد مي‌شود علاوه‌بر فعال ساختن کمیته تقریب المذاهب، کمیته دیگري نیز در زمینه فرهنگي فعال شود تا فرهنگ‌هاي دو تمدن و ملت در سیر طبیعي بده بستان قرار بگیرند. در این بین نقش دانشگاه‌های تقریب مذاهب و دانشگاه ادیان و جامعة

المصطفی هم قابل ستایش است که در حوزه مسائل دینی و فرهنگی مراودات قابل توجهی با جهان عرب دارند.

## نتیجه‌گیری

زبان‌های عربی و فارسی دو بال فرهنگ و تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند؛ این دو از دوره پیش از اسلام با یکدیگر در ارتباط بوده و داد و ستدهای فراوانی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و ادبی داشته‌اند. صرف نظر از واژگان مبادله شده، که زبان عربی در این حوزه تأثیر بیشتر داشته است، فرهنگ و تمدن ایرانی تأثیر قابل توجهی در جهان عرب داشته و بسیاری از جلوه‌های فرهنگی ایرانیان از جمله اعیاد نوروز، فرهنگ پست و اطلاع رسانی، تشکیل سپاه و دبیری دیوان در شعر بسیاری از شاعران عرب پیش اسلام و پس از آن نمود یافته است و این حاکی از جایگاه والای فرهنگ و تمدن ایرانی است. لذا به‌نظر می‌رسد ادبیات و شعر بستر بسیار خوبی برای معرفی و شناساندن فرهنگ کشورمان به دیگران علی‌الخصوص جهان عرب است. لذا اگر تقویت جنبه‌های ادبی و گسترش تعاملات در این حوزه می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در حوزه تأثیر روابط ادبی و فرهنگی بر مناسبات سیاسی نیز راهکارهای متعددی از جمله پرداختن به ترجمه، بورسیه‌های تحصیلی، مبادله استاد و دانشجو، گسترش نشریه‌ها و کتب به زبان عربی برای معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی را مؤثر دیدیم. و در نهایت تفرقه‌افکنی غرب، اختلافات مذهبی و دامن زدن به نقاط اختلاف و ترک مشترکات را عوامل ضعف روابط فرهنگی و ادبی ایران و جهان عرب در دوره کنونی یافتیم.

## کتابنامه

قرآن کریم

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۴). راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی،تهران: انتشارات طوس، چ ۲.

ابن‌الدمشقی، محمد (۱۴۱۵ق). جواهر المطالب فی مناقب الامام علی (ع)قم: مجمع احیاء الثقافة الإسلامیة.

الإصفهانی، أبوالفرج (۲۰۰۸ م). الأغاني، تحقیق: احسان عباس و آخرون ، بیروت، دار صادر، الطبعة الثالثة.

الأعشی، میمون بن قیس (۱۹۶۰م). دیوان الأعشی، بیروت: دار صادر.

ابن قتیبة، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۷ م). الشعر و الشعراء، تقدیم: عمر الطباع، بیروت: شرکة دار الأرقم بن أبي أرقم.

الحوفی، محمد احمد (۱۹۶۸م). تیارات ثقافیة بین العرب و الفرس، القاهرة: دار نهضة مصر للطباعة والنشر.

بشارة، عزمي (۲۰۱۲م). العرب و إيران مراجعة في التاريخ و السياسة، بيروت: المركز العربي للأبحاث ودراسة السياسيات.

بوزرزور، سارة (۲۰۰۹ م). الترجمة وفعل المثاقفة، رسالة الماجستير، الجزائر: جامعة السانية ـ وهران.

بویل، جی. آ (۱۳۶۸). تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۴۹). از پرویز تا چنگیز، تهران: نشر فروغی.

جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۹۶م). المحاسن والأضداد، بيروت: دار و مكتبة الهلال.

جفری، آرتور (۱۳۸۶). واژگان دخیل در قرآن، انتشارات توس.

جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵ ش). «نقش ارتباطات میان فرهنگی در تصمیم کشورها به تنش‌زدایی» مجله پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، ش ۲۲، ص ۵۷ – ۳۵.

حتّی، فیلیپ (۱۹۵۸ م). تاریخ العرب، ج ۱، بیروت: عالم الکتب.

ـــــــــــــ (۱۳۸۲). شرق نزدیک در تاریخ، ترجمه: قمر آریان (زرین‌کوب)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲

دیوان امرئ القیس، (۲۰۰۰ م). دراسة وتحقیق: انور علیان ابو سویلم، و محمدعلی الشوابکه، مرکز زاید للتراث و التاریخ.

شبلی، أحمد (۱۹۹۶ م). موسوعة التاريخ الإسلامي و الحضارة الإسلامية، المجلد الأول، الطبعة الرابعة عشرة، القاهرة: مكتبة النهضة العصرية.

صفا، ذبیح‌الله (بی‌تا). گاه‌شماری و جشن‌های ملی ایرانیان، تهران: مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی.

ضیف، شوقی (بی‌تا). تاريخ الأدب العربی، العصر الجاهلی، دار المعارف، الطبعة الثامنة.

عزام، عبدالوهاب، (۲۰۱۲م). الصلات بين العرب و الفرس و آدابهما فی الجاهلية و الإسلام، مؤسسة هنداوی للتعليم و الثقافة.

فتحی احمد، عامر(۱۹۷۴ م). فی مرآة الشعر الجاهلي، خارطوم: دار الاتحاد العربی للطباعة.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الأنوار، قم: اسلامیه.

مهر آیین، مسیحا (۱۳۷۶). «گام نخست در راه پدیدآیی روابط میان ایران و جهان عرب» فصلنامه نقد و معرفی کتاب، آینه پژوهش، ش ۴۵.

واعظی، محمود (۱۳۸۷). «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا» مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.